

لاستیک پنجر

اگر لاستیکی پنجر شود، بهترین کار این است که با حوصله پنجری آن ترمیم شود، سپس لاستیک را بادکنند. غلط ترین کار هم این است که با عجله اقدام به باد کردن لاستیک کنند و وقتی دوباره باد آن خارج شد، یک پمپ قوی تر بیاورند تا لاستیک را باد کنند. شرایط کنونی اقتصاد کشور را می توان به یک لاستیک پنجر تعبیر کرد، که به جای مسدود کردن سوراخ پنجری، مرتباً سعی می شود که با پمپی قویتر آن را باد کنند.

مشکل اصلی اقتصاد کشور، عارضه ای است به نام بیماری هلندی که در سال ۱۹۶۰ برای کشور هلند رخ داد. در آن سال افزایش درآمدهای منابع طبیعی به خصوص منابع نفت و گاز، موجب رشد کاذب ارزش پول کشور هلند شد. این مساله از قدرت رقابت تولیدات صنعتی هلند در برابر تولیدات سایر کشورها کاست و موجب شد که رکود تومی ایجاد شود. یعنی در آن واحد اقتصاد کشور هلند دچار رکود شد و هم زمان قیمت ها دچار تورم شدند. اگر قرار باشد رکود در اقتصاد یک کشور کم شود، باید جلو تورم قیمت ها را گرفت تا امکان تولید و فروش کالای داخلی فراهم و شرایط رکود بر طرف شود و اگر بخواهند جلو تورم را بگیرند، باید چرخ های تولید داخلی را به تحرک در آورند تا کالای ارزان وارد بازار شود و جلو بالا رفتن قیمت ها را بگیرد. در واقع بیماری هلندی جمع اعداد است و به همین دلیل مهارش بسیار مشکل خواهد بود. در بیماری هلندی به تدریج بازار محصولات صنعتی کشور از بین می رود و کارخانه هایی که با هزینه های کلان احداث و راه اندازی شده اند یک به یک تعطیل شده و هزاران نیروی فعال، از کار بیکار می شوند. کشورها موظفند بودجه سالیانه خود را بر اساس درآمد واقعی تنظیم کنند. وارد کردن هر نوع درآمد باد آورده غیر مولد مانند درآمد نفت در بودجه جاری، باعث افزایش کاذب ارزش پول ملی و در نتیجه و لخرجی ملی و دولتی و بیماری هلندی خواهد شد.

سابقه وابستگی بودجه کشور ما به پول نفت به نخستین روزهای استخراج آن، در سال ۱۲۸۷ شمسی باز می گردد. البته تا اواخر سال ۱۳۱۶، درآمدهای نفتی بسیار ناچیز بود و تنها در اواخر این سال حدود ۱۳ درصد از بودجه کشور، توسط پول نفت تامین شد. این روند افزایشی در سال ۱۳۴۷ به ۵۰ درصد رسید. در مهرماه سال ۱۳۵۲ اولین شوک

نفتی اتفاق افتاد و قیمت جهانی نفت تا چهار برابر افزایش یافت. در این سال افزایش درآمدهای نفتی ایران به حدی رسید که برنامه پنجم توسعه کشور بازنویسی شد تا دولت بتواند درآمد های اضافه نفت را هزینه کند. در آن زمان سهم نفت در بودجه تا ۸۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۵۶ کار به جایی رسید که اگر قرار بود بدون بهره گیری از درآمد نفت کشور را اداره کرد، جامعه تنها می توانست حدود ۳ درصد از کالاهایی مورد نیاز خود را به دست آورد.

از زمان انقلاب تا پایان جنگ، وابستگی اقتصاد به درآمد نفت تا میزان زیادی کاهش یافت. با پایان گرفتن جنگ و نیاز به سازندگی، دوباره درآمد نفت به بودجه سرازیر شد و تورم را به ۴۳ درصد رساند. در آن زمان تورم بود ولی رکود نبود و مرتباً صنایع و کارخانجات مختلف راه اندازی می شدند. در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ دو شوک بزرگ قیمت نفت به صورت پی در پی اتفاق افتاد. در شوک اول قیمت نفت به ۱۰۰ دلار و در شوک بعدی به ۱۴۸ دلار در هر بشکه رسید. اکثر این درآمد اضافه وارد بودجه شد و تحت عنوان "آوردن پول نفت بر سر سفره مردم" هزینه گردید. در نتیجه نقدینگی کشور به شدت افزایش یافت و در حالی که تورم ۳۴ درصد بود، قیمت ارز ارزان و واردات بی رویه، باعث شد تولیدات ملی، توان رقابت خود را در داخل و خارج کشور از دست بدهد. در نتیجه کارخانه ها و صنایع یکی یکی تعطیل شدند و نرخ بیکاری کشور به شدت افزایش پیدا کرد. در اینجا بود که سیکل بیماری هلندی اقتصاد، بسته و کشور دچار رکود تومی شد. از آن زمان تاکنون چندین بار راه حل هائی مانند اختصاص ارز ارزان قیمت برای واردات و پمپاژ ارز به بازار، یا فروش سکه طلا به قیمت پائین و کارهائی از این قبیل آزمایش شده که بیشتر مانند باد کردن لاستیکی پنجر بوده که هنوز فکری برای پنجری آن نشده است.

آب کشور نیز در شرایط مشابهی قرار دارد. در سال های اخیر دولت ها همواره به جای ریشه یابی علمی و رفع مشکلات اساسی آب، خواسته اند بدون پنجرگیری، لاستیک را باد کنند. اصلی ترین مشکل آب، به قانون عرضه و تقاضا باز می گردد. کشور ما در منطقه ای خشک و گرم واقع شده و متوسط نزولات آسمانی، یعنی عرصه آب آن اندک است. در سال های اخیر به دلیل افزایش جمعیت، روش های آبیاری سنتی، اضافه شدن سطح زیر کشت اراضی، گسترش شهر نشینی، رفاه عمومی، بالا رفتن سطح بهداشت و افزایش فضای سبز شهری، تقاضا به شدت بالا رفته و فاصله بین عرضه و تقاضا بوسیله ذخایر زیر زمینی تامین شده، ذخایری که دیگر رو به اتمام است. راه حل هائی مانند ساختن تعداد زیادی سد که تا ۵۰ درصد ذخیره آن تبخیر می شود و خطوط انتقال آب که در خدمت افزایش تقاضا است، در واقع مانند باد کردن لاستیک پنجر است. طرح هائی مانند انتقال آب خزر و دریای عمان به منطقه مرکزی ایران نیز بسیار پرهزینه و زمان بر و تا حدودی رویائی هستند. برای حل مشکل، باید عرضه آب از طریق بازیافت آب و شیرین سازی محدود و نقطه به نقطه آب خزر و خلیج فارس و دریای عمان بالا برود، ولی از آن مهم تر باید سطح تقاضا کاهش پیدا کند. بالا بردن راندمان آب کشاورزی، مصرف بهینه آب شهری از طریق فرهنگ سازی، استفاده از وسایل کاهنده مصرف و استفاده از تکنولوژی های جدید، می تواند سطح تقاضا را تا حد خوبی کاهش دهد. مسئولان باید قبول کنند که کنترل بحران آب نیاز به جامع نگری علمی و کارشناسانه دارد.

اقتصاد بی وزن



ساخت آیفون در کشور چین

در پایان جنگ دوم جهانی، عمده ترین کالاهای وارداتی ایران، مصنوعات صنعتی و عمده ترین صادراتش مواد خام، محصولات کشاورزی، نفت و صنایع دستی، نظیر فرش و گلیم بود. ظاهراً هنوز هم در بر همان پاشنه می چرخد، چون تغییر محسوسی در نوع صادرات و واردات کشور دیده نمی شود. اگرچه در صادرات مغزها خیلی موفق بوده ایم، ولی هنوز خبری از صادرات فکر و نرم افزار و تکنولوژی در میان نیست. تفکر مدیریتی مانیزهنوز به زمان های دور باز می گردد، هنوز هم حاضریم برای ساخت یک تونل و خرید یک ساختمان میلیاردها تومان هزینه کنیم و اگر لازم شد در طول کار، بارها زمان تحویل را

تغییر و بودجه تصویب شده پروژه را افزایش دهیم. همه ما پروژه هایی مانند پل دریاچه ارومیه و جاده جدید تهران شمال و صدها پروژه دیگر از این دست را به خاطر داریم. در چنین شرایطی اگر قرار باشد یک بودجه چند ده میلیونی، برای تحقیقات و برنامه ریزی و اصلاح قوانین کهنه، خرج شود، هیچ کس حاضر نیست مسئولیت آن را قبول کند. آن مقدار اندکی هم که تصویب می شود بیشتر به خاطر الزامات بودجه

نویسی و به صورت نمایشی است و به احتمال زیاد، فقط بخشی از بودجه تامین و هزینه می شود و نتایج آن نیز به سرعت به دست فراموشی سپرده می شود. در واقع نرم افزار در ذهن مدیران کشور یا جایگاهی ندارد یا اینکه از اهمیت بسیار ناچیزی برخوردار است.

قوانین اقتصادی دنیا در سال های اخیر به شدت تغییر کرده، در سال گذشته درآمد شرکت اپل حدود ۵۰ میلیارد دلار بود، یعنی چیزی در حدود درآمد نفت یک سال کشور ایران. اپل اکثر محصولات خود را در کشور چین و با کارگر ارزان قیمت می سازد و فقط نقشه ها و نرم افزارها است که در شرکت اصلی تهیه می شود. در واقع بیشترین سود این شرکت از بابت نرم افزار است و نه سخت افزار. جف بزوس (Jeff Bezos) در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۵ شرکت آمازون را که از یک نوع نگرش و تفکر جدید برخوردار بود،



تقریباً بدون سرمایه و محل کسب راه اندازی کرد. پیش بینی می شود در سال آینده ارزش سهام این شرکت از مرز یک بلیون (هزار میلیارد) دلار بگذرد. سوال مهم این است، اینگونه شرکت ها چگونه به چنین ثروت های افسانه ای دست پیدا می کنند؟ چند دهه است که چیزی به نام «اقتصاد بی وزن» در دنیای سرمایه گذاری بوجود آمده. شرکت های عظیم، به جای سرمایه از استراتژی اقتصاد بی وزن استفاده می کنند. بزوس فعالیت فروشگاه اینترنتی آمازون دات کام را از یک گاراژ آغاز کرد و در آغاز کار حتی یک فروشگاه کوچک نداشت به همین دلیل بسیاری از قراردادهای ملاقات خود را در کتاب فروشی همسایه خود برگزار می کرد. آمازون در مدت کوتاهی ابتدا خود را به بزرگ ترین فروشنده کتاب جهان تبدیل کرد، آنهم در حالی که فروش کتاب در دنیا به شدت کاهش پیدا کرده بود. حالا هم محصولات متنوعی را می فروشد، بدون اینکه هیچ کدام از آنها را تولید کند یا فروشگاهی در سطح شهرها داشته باشد. دنی کوا اقتصاد دان انگلیسی، اقتصاد مبتنی بر اطلاعات را اقتصاد بدون وزن می نامد. وی معتقد است برخلاف گذشته که رشد اقتصادی بر حسب تولید محصولات سنگین همچون فولاد و تجهیزات و ماشین آلات صنعتی و نظایر آن تعریف می شد، امروزه

رشد اقتصادی بر حسب فکر خلاقانه و نرم افزار تعریف می شود. هم اکنون بسیاری از شرکت های برتر جهان، بر اساس اقتصاد بی وزن فعالیت می کنند. اقتصادی که تمام بار آن بر شانه دو پارامتر کلیدی 'اطلاعات و ارتباطات' قرار دارد. باری که برای تاجر و تولید کننده بی وزن محسوب می شود. بزرگترین شرکت های تاکسی رانی جهان مانند اوبر، حتی یک تاکسی ندارند. آنها با استفاده از اطلاعات صاحبان اتومبیل هائی که می خواهند مسافر جا به جا کنند و برقراری ارتباط با کسانی

که در جستجوی تاکسی هستند، درآمد هنگفتی را کسب کرده اند. بزرگ ترین شرکت تبلیغاتی جهان یعنی گوگل، حتی یک بلیورد فیزیکی ندارد. این شرکت فقط اطلاعات دارد و ارتباطات.

حالا اگر طرز تفکر نوین اقتصاد بی وزن را با مدل ذهنی مدیران کشور مقایسه کنیم، می بینیم زمانی که نرم افزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، پایه رشد اقتصاد جهان شده اند، ما هنوز اسیر سخت افزار هستیم. برای سخت افزار هزینه می کنیم، به آن احترام می گذاریم و فقط سخت افزار را به رسمیت می شناسیم، آنهم از نوع سخت افزار کلنگ و قیچی. کلنگ یعنی زمانی که برای آغاز یک پروژه، کلنگ آن را به زمین می زنند و قیچی یعنی زمانی که در پایان پروژه، روبان را می برند و پروژه را افتتاح می کنند. اگر قرار باشد بیمارستانی تاسیس گردد یا پلی ساخته شود یا جاده ای احداث گردد، همه دوست دارند در مراسم کلنگ و قیچی شرکت کنند. چون این دو سخت افزار، ملموس هستند و دیده می شود و جذابیت بیشتری دارند و می توان از آن عکس و فیلم تهیه کرد.

در اقتصاد بی وزن، دولت ها نه سد می سازند، نه جاده احداث می کنند، نه بیمارستان می سازند و نه مدرسه افتتاح می کنند، بلکه مکانیزم هائی طراحی می کنند که بخش های مردمی اقتصاد، با انگیزه ای بالا، سرمایه گذاری های لازم را انجام دهند. در این حالت دیگر این مقامات دولتی نیستند که در مراسم کلنگ و قیچی شرکت می کنند چون ممکن است اصلاً چنین مراسمی برگزار نشود. در این سیستم دیگر از فساد دولتی و فرار سرمایه و تورم بالا خبری نیست و دولت از اقتصادی سالم و شفاف برخوردار خواهد شد، چون بی وزن است، سبک است و چالاک! همه ساله ساختمان های دولتی و تجهیزات اداری، با بودجه های سرسام آوری، بازسازی و نو می شوند، در این میان تفکر و قوانین اقتصاد پایه کشور نوسازی نمی شود و در حد ۵۰ سال قبل باقی می ماند. اگر به قوانین تجارت، قانون محاسبات عمومی و قانون برنامه و بودجه نگاه کنیم می بینیم همگی مربوط به سالیان بسیار دور است. قوانینی که دیگر برای دنیای امروز انعطاف پذیری و کارائی ندارد و نمی تواند به رشد اقتصادی کمک کند.

معرفی وسایل کاهنده مصرف

شیر الکترونیک (چشمی) می تواند تا ۷۵٪ از آبی که در دستشویی استفاده می کنیم را صرفه جویی کند.



کشور جریان دارند، ساخته شده. از ابتدا قرار نبود این دو سد فقط برای تامین آب مردم تهران باشد، به همین دلیل در پایین دست سد لتیان طرح زهکشی و شبکه آبیاری خیلی وسیعی پیاده شد. این سیستم آبرسانی از سد تغذیه و مزارع جنوب شهرری و ورامین از آبیاری می کرد. از طرفی کشاورزانی که در فاصله بین تهران و کرج و وردآورد و شهریار فعالیت می کردند، از رودخانه کرج حق آبه داشتند. ولی از زمانی که به دلیل افزایش جمعیت و گسترش کلان شهرهای تهران و کرج، آب این دو سد به مصرف ساکنین این دو شهر می رسد و کشاورزان حق آبه خود را از دست داده اند. اکنون تقریباً کشاورزان دیگر حق آبه ای از این دو سد ندارند.

چه شد که با آمدن ابزار و امکانات جدید شرایط کمبود آب افزایش پیدا کرد؟
جبر زمانه کشور ما را وادار کرد تا از دوره سنتی به طرف دوران مدرن حرکت کند، ولی متأسفانه در دوران گذر، ساز و کار لازم را فراهم نکردیم. همانگونه که از نیروی حیوانات و خیش و گاوآهن، سراغ تراکتور رقتیم، بدون اینکه با مکانیزم و ظرفیت این وسیله نوظهور که کار یک ماهه خیش و گاو آهن را در ظرف ۳ روز انجام می دهد آشنا شویم و نیازمندی ها و پشتیبانی و خدمات آن را آماده کنیم. در واقع شیوه بهره برداری از تکنولوژی را نه آموزش دادیم و نه مرحله به مرحله و تدریجی جایگزین کردیم، به همین دلیل دچار مشکل شدیم. در گذشته ما به صورت سنتی بندها را در محل های مناسب و با سنگ و خاک و در سایه درختان می ساختیم. ساخت سدهای امروزی که هم برای ذخیره آب و هم برای تولید برق است، تقریباً بعد از سال ۱۳۲۷ در کشور ما شروع شد. اصولاً مدیریت برنامه ریزی شده در کشور، از همان سال که نخستین برنامه ۷ ساله عمرانی تدوین گردید، شروع شد. بررسی ها در همان زمان نشان داد که ایران کشوری است با قابلیت کشاورزی که باید این قابلیت را حفظ کند. در سال های ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ چند سد در ایران ساخته شد. در ابتدا حرکت های سنجیده انجام می شد، یعنی سدها در جاهایی ساخته می شدند که در اراضی پایین دست آن کشاورزی اهمیت داشت. اگر بررسی کنیم می بینیم، اراضی پایین دست تمام سدهایی که در سال های قبل از انقلاب ساخته شده، زمین های زراعی بوده که از نظر استراتژی اهمیت بسیاری داشته و در واقع سدها در خدمت کشاورزی بوده اند. سد منجیل بر روی رودخانه سفیدرود ساخته شد که شبکه آبیاری آن تا فومنات ادامه پیدا می کرد. در سد لتیان و سد کرج نیز همین کار انجام شد و فقط به ساخت سد بسنده نکردند، بلکه در اراضی پایین دست نیز کانال هدایت آب احداث کردند و هم زمان عملیات آبخیز داری و آبخان داری هم انجام شد. در ایران به جز سه رودخانه، تمام

را بین کشاورزان تقسیم کردند، عده ای زمین های کوچکی را گرفتند که برای کشاورزی ارزش چندانی نداشت. صاحبان این اراضی اولین کاری که انجام دادند، دریافت پروانه چاه بود. در نتیجه فعالیتی به نام تجارت آب در کشور شروع شد. کم استخراج آب های زیر زمینی از حالت سنتی که به صورت قنات بود و به شکل مشاع به زمین ها تعلق داشت، موتوریزه شد و تجارت آب رونق گرفت و باعث شد میزان بهره برداری از منابع آب، به خصوص منابع آب های زیرزمینی افزایش پیدا کند. در گذشته کشاورزان به سه شکل از زمین استفاده می کردند. یا کشت آبی انجام می دادند، یا کشت دیم و یا زمین را در حالت آیش یا استراحت رها می کردند. به تدریج با رواج تجارت آب و آمدن کودهای شیمیایی، عمل آیش از رونق افتاد و زمین هایش به حوزه کشت های آبی اضافه شد و سطح وسیعی از زمین های دیم نیز تبدیل به کشت آبی شد. رفته رفته با افزایش جمعیت شهرنشین، سهم بالایی از آب کشور نیز به مصرف شهرها اختصاص پیدا کرد. مجموع این شرایط کار را به جانی رساند که از آن دوران به عنوان سال های یورش به منابع آب یاد می شود، سال هائی که وزارت نیرو به سادگی مجوز حفر چاه می داد. در این میان محدودیت آب کشور نیز نقش خود را ایفا کرد و منابع آبی کشور خالی و در نتیجه آب کمیاب شد.



رودخانه های بزرگ به خارج از کشور سرازیر می شود. این سه رودخانه عبارتند از رودخانه کرج، جاجرود و زاینده رود که زمین های کشاورزی بسیار خوبی را ایجاد کرده اند. رود کرج و جاجرود که در دو سمت تهران قرار دارند، اراضی جنوب تهران را تغذیه می کنند که بسیار ارزشمند است. اصفهان نیز در گذشته قطب کشاورزی بود. متأسفانه در سال های اخیر بدون مطالعه لازم، دخل و تصرف زیادی در آب های سطحی به خصوص در رودهای کارون و زاینده رود انجام شد.

چرا زاینده رود تا این حد مشکل ساز شده؟

به نظر من بزرگترین مشکل زاینده رود صنایع هستند. در منطقه مازندران، که نساجی مازندران و چیت بهشهر وجود دارد، ماده اولیه آنها از محصولات کشاورزی همان منطقه تامین می شود. پنبه کاری در منطقه گرگان، پشتوانه تغذیه صنایع نساجی بهشهر و شاهی است. یعنی در گذشته برای توسعه صنعتی در یک منطقه کشاورزی، صنایعی را انتخاب کرده بودند که در خدمت کشاورزی باشد. حتی صنایعی مثل چوب بری و کاغذ که امروزه در شرایط بغوغ قرار دارند، قرار نبود از منابع جنگلی منطقه استفاده کنند. قرار بود تکنولوژی و کارخانه از کانادا بیاید و ماده اولیه را روسیه به صورت خمیر کاغذ در اختیار ما قرار دهد که این شرایط بعد ها بهم خورد. کارخانه های سنگین نباید در کنار سدها قرار بگیرند. صنایع فلزی آب بر هستند و با منطقه خشک مرکز ایران سازگاری ندارند. بعضی وقت ها این صنایع در بالا دست شهر ها قرار می گیرند و تمام ضایعات و آلودگی های خود را وارد آب شهر ها و کشاورزی می کنند. اگر از بالا به کارخانه هائی که در استان اصفهان ساخته شده نگاه کنید می بینید اکثراً در امتداد رودخانه زاینده رود ساخته شده اند. در صورتی که حداقل باید عمود بر آن قرار می گرفتند. حضور فولاد سازی و ذوب آهن در اصفهان و سرمایه سازی در یزد هیچ توجیه اقتصادی و محیط زیستی ندارد.

در چنین شرایط چه می توان کرد؟

آنچه مسلم است میزان بارش کشور اگر در آینده کم نشود، اضافه هم نخواهد شد. مصرف هم به دلیل افزایش جمعیت و رفاه طلبی بیشتر روز به روز افزایش خواهد یافت. در چنین شرایط دوکار می توان انجام داد اول فرهنگ سازی است تا مردم و کشاورزان و صنایع، آب را به شیوه صحیح و به اندازه مصرف کنند و آن را آلوده نکنند. آموزش و فرهنگ سازی هم باید از مدارس و از سنین کم و همینطور با فعالیت گروه های مردم نهاد شروع شود. راه دیگر این است که در کشوری مثل ایران باید سراغ بازیافت آب رفت، چون بین ۸۰ تا ۸۵ درصد آب مصرفی به صورت پساب دوباره به طبیعت بازمی گردد. باید توجه خود را بر روی این حجم بزرگ از آب متمرکز کنیم. با توجه به معیارهای جهانی مصرف سرانه آب ایران، بخصوص در شهرهای بزرگ بسیار زیادتر از حد نرمال است. به نظرم جای فعالیت زیادی برای بازیافت آب در کنار فرهنگ سازی وجود دارد، تا بتوانیم آبی که اکنون در حال تلف شدن است را تا حد قابل قبولی بازیافت کنیم و همزمان با فرهنگ سازی میزان مصرف را پایین بیاوریم. از اینکه وقت خود را در اختیار ماهنامه KWC قرار دادید متشکریم.

آقای محمدتقی رهنمایی استاد بازنشسته جغرافیای دانشگاه تهران و از پیشگامان و نخستین مدرسان گردشگری در ایران هستند. ایشان لیسانس خود را در رشته جغرافیا از دانشگاه ملی ایران و سپس مدرک دکترا خود را در همین رشته، در سال ۱۹۷۹ از دانشگاه فیلپس ماربورگ آلمان کسب کردند. آقای دکتر رهنمایی به عنوان استاد مهمان در دانشگاه های کلاکن فورت اتریش، پوتسدام و کوتبوس آلمان حضور داشتند و سابقه تدریس درمقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران را نیز دارند.

در این شماره پای صحبت این استاد پر تجربه می نشینیم تا از نظرات ایشان در مورد سوابق آب کشور و معضلات فعلی آن با خبر شویم.

ریشه بحران آب در کجا است؟

بحران آب، هم جنبه جهانی دارد و هم جنبه منطقه ای و از هر دو جنبه قابل بررسی است. گرم شدن زمین و آب شدن یخ های قطب و عقب رفتن مرز برف های دائم، یک جنبه از ناهنجاری های طبیعی است که کره زمین با آن روبرو است. برای این فرایند طبیعی، دانش فعلی بشر به جز مهار شرایط، کاری نمی تواند انجام دهد. یعنی باید عواملی که این فرایند را تشدید می کند کنترل کند، عواملی مانند دخل و تصرف زیاد انسان در طبیعت و تولید گازهای گلخانه ای. کل مساحت کره زمین ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع است که از این مساحت ۱۴۹ میلیون کیلومتر آن خشکی است. در حال حاضر حدود ۷/۵ میلیارد نفر بر روی این ۱۴۹ میلیون کیلومتر مربع زندگی و معیشت خود را تامین می کنند. مساحت خشکی های زمین کم و بیش ثابت است، ولی تعداد ساکنین آن متغییر است و هر ۳۳ سال دو برابر می شود. یعنی در آینده بر روی همین کره زمین، ۱۵ میلیارد نفر مجبورند زندگی کنند و از همین منابع و امکانات موجود که برای ۷/۵ میلیارد نفر نیز کافی نیست، استفاده نمایند.

دلایل بحران آب در کشور ما چیست؟

بحران آب در ایران چیز جدیدی نیست. از گذشته های دور نیز وجود داشته و همیشه در بعضی از سال ها خشکسالی رخ می داده. دعائی در دین زرتشت وجود دارد که می گوید: خداوند این سرزمین را از جنگ و دروغ و خشکسالی محفوظ بدارد. همین دعا گویای آن است که خشکسالی از گذشته های دور دغدغه ذهنی مردم بوده. کشور ما از نظر شرایط جغرافیای طبیعی بر روی کمربند بیابانی و نیمه بیابانی و از نظر اقلیمی بر روی کمربند خشک و نیمه خشک قرار دارد. حیات مردم منطقه وابسته به کشاورزی است و کشاورزی

وابسته به آب. اجداد ما، ۳۰۰۰ سال پیش دست به خلاقیت زدند و قنات را ساختند. از طرفی در کشوری که همیشه با مقوله خشکسالی روبرو بوده، نحوه مدیریت آب نقش مهمی داشته. کسروی در کتابی به نام تاریخ ۵۰۰ ساله خوزستان، شرح می دهد که در طول تاریخ، مردم خوزستان به چه شکلی مسیر رودخانه ها را برای آبرسانی اصلاح و مدیریت کرده اند و بندهایی که در جای جای منطقه ساخته اند، نشان دهنده تلاش مردم برای مدیریت آب بوده است. آنها از دو شیوه استفاده می کردند، یکی روش کتی مانند ساخت قنات و یافتن مسیرهای تازه آب، دیگری مدیریت آب، از طریق کشت های دیمی و شیوه آیش زمین و انتخاب محصولاتی که آب کم مصرف می کند. در گذشته کشاورزان محصولاتی را برای کشت انتخاب می کردند که زود به ثمر برسد یا محصولاتی که اگر در معرض خشکسالی قرار بگیرد، می توانستند آنها را به صورت چغاله مصرف کنند تا محصول از بین نرود. میراب ها و آبیارها دارای دانش فنی بودند. آنها شیوه های مفیدی برای آبیاری بلد بودند. آنها می دانستند آب را از کجای مزرعه وارد کنند و چه زمانی آب را قطع نمایند تا آب تلف نشود. اگر به قباله های قدیمی زمین های کشاورزی نگاه کنیم، می بینیم در قباله علاوه بر مساحت و حدود اربعه، میزان حق آبه زمین از یک قنات یا چشمه یا رودخانه نیز تعیین شده. بنابراین در طول تاریخ موضوع آب از مالکیت زمین زراعی جدا نبوده. در مناسبات کشاورزی هم پنج عامل در تقسیم محصول نقش داشتند، زمین، آب، بذر، نیروی شخم و نیروی کار. تقسیم محصول بین مالک و کشاورز به این شکل بود که هرکس با هریک از آورده هایی که داشت، ۲۰ درصد سهم می برد. یعنی کشاورزانی که نیروی کار و نیروی شخم را تامین می کردند، ۴۰ درصد سهم می بردند. آب معمولاً از جمله عواملی بود که روی زمین بود و در اختیار کشاورز نبود. البته بر اساس فقه اسلامی، هیچ کس حق مالکیت بر آب را نداشت و افراد نمی توانستند تجارت آب داشته باشند و آب را خرید و فروش کنند. در گذشته یکی از کارهای مالکین و افراد ذی نفع، این بود که قنات حفر می کردند و قنات ها را لایروبی و باز سازی می نمودند و تمام تلاش وسیعی آنها در جهت استمرار کشاورزی بود. مقنی های قدیمی با نگاه کردن به زمین و توپوگرافی آن می توانستند بگویند که کجا برای قنات و کجا برای حفر چاه مناسب است. در حدود دهه ۳۰ شمسی بعد از آمدن وسایل موتوریزه و روش های صنعتی، کار برداشت آب راحت تر و پر حجم تر شد. دستگاه های حفاری به سرعت و به آسانی چاه های عمیق و نیمه عمیق حفر کردند. به همین دلیل معادله بین آب و زمین در کشور به هم خورد و عده ای به این فکر افتادند که مجوز چاه بگیرند و از آن بهره برداری کنند و آب آن را بر اساس ساعت به کشاورزان بفروشند. تا اواخر دهه پنجاه شمسی، مسئله آب فروشی بسته و گریخته در قطب های کشاورزی، وجود داشت و می شد اتاقک هایی که برای پمپ های آب ساخته شده بود را در کنار جاده ها دید. در سال های بعد از انقلاب تجارت آب رواج بیشتری پیدا کرد. وقتی هیئت های واگذاری، زمین های بایر و منابع طبیعی



بر اساس این نمودار در دوران زمامداری وی، حدود یک میلیون شغل در کشور ایجاد شده بود. وقتی که از آن‌ها پرسیدند، با توجه به این نمودار به نظر شما در دوران اوباما، ایجاد شغل افزایش یافته، ثابت مانده و یا کاهش یافته، اغلب آن‌ها پس از نگاه کرده به نمودار، اعلام کردند طبق این شاخص کاهش یافته است! پس بهتر است شما هم از پافشاری در تغییر باورهای دیگران دست بردارید!

چاقی تقصیر زن ها نیست

معمولاً افرادی که تلاش هایشان برای کاهش وزن با شکست مواجه می‌شود، زن‌های خانوادگی را عامل این ناکامی می‌دانند و با آوردن چنین بهانه‌ای می‌خواهند از زیر بار ورزش کردن و کاستن از کالری غذاهای خوشمزه و چرب و شیرین فرار کنند. تغییرات کوچک ژنتیکی در موجودات زنده، نیاز به زمان‌های خیلی بیش‌تر از ۱۰ هزار سال دارد. رشد سریع چاقی و افزایش وزن مردم جهان در سه دهه اخیر، نشان می‌دهد عوامل محیطی مانند تولید غذاهایی با کالری بسیار بالا و کاهش فعالیت‌های بدنی روزمره، در چاق شدن جمعیت زمین نقش مهمی بازی می‌کند. ممکن است زن‌ها باعث شوند که در برابر وسوسه خوردن برخی از غذاهای ناسالم یا اعتیاد به غذاهایی خاص مقاومت کمتری در افراد وجود داشته باشد، اما زن‌ها در چاق شدن هیچ دخالتی ندارند. اگر چه متابولیسم بدن از فردی به فرد دیگر متغیر است، اما افرادی که رژیم غذایی مشابه و فعالیت‌های فیزیکی مشترک دارند، معمولاً حجم بدنشان یکسان است.

برای نجات زمین دیگر خیلی دیر است

همواره می‌شنویم که سیاستمداران برای کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی صحبت می‌کنند و بسیاری از مردم مقداری از وقت خود را برای جدا کردن مواد قابل بازیافت زباله صرف می‌کنند تا شاید از وقوع جهنمی بزرگ برای آینده کودکان جلوگیری کنند. اما بسیاری از کارشناسان معتقد هستند دیگر خیلی دیر شده و نجات کره زمین غیر ممکن است. در زمانی که انسان‌ها بر سر محاسبه میزان دود اتومبیل‌های خود جر و بحث می‌کردند، آن قدر از ذخایر یخی قطب جنوب از بین رفته که دیگر هیچ‌گاه به شرایط سابق باز نخواهد گشت. در حال حاضر چین بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است و سیستم سیاسی این کشور همواره به دنبال رشد اقتصادی بیشتر است. این رشد تنها با سوزاندن مقادیر بیشتری از سوخت‌های فسیلی امکان پذیر خواهد بود. تبدیل کردن

انرژی مصرفی کشورهایی مانند چین و آمریکا به انرژی سبز، بیش از تحمل کره زمین وقت لازم دارد. البته این بدان معنا نیست که تلاش برای کاهش گازهای گلخانه‌ای بی‌فایده است. به شرط اینکه تلاش در حدی باشد که برای نجات بشریت از همین حالا ادرار خود را تصفیه کنیم و بنوشیم.

بیشتر انسان‌ها دروغ می‌گویند

باید صادقانه گفت که اگر کسی مطلقاً دروغگو نباشد، احتمالاً به یک اختلال روانی -اجتماعی مبتلا شده، زیرا همه دروغ می‌گویند. اگر بدانید هر نفر به طور متوسط چه اندازه دروغ می‌گوید، می‌تواند شما را شگفت زده کند. مطالعه‌ای که در دانشگاه ماساچوست انجام گرفته، نشان می‌دهد ۶۰ درصد از افراد، طی یک گفتگوی ۱۰ دقیقه‌ای بین دو تا سه دروغ می‌گویند. ۸۶ درصد از کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان، به طور مستمر به والدین خود دروغ می‌گویند. دروغ به دوستان و همسر به ترتیب ۷۵ و ۶۹ درصد است. بیش از ۴۰ درصد افراد در رزومه کاری خود مطالب دروغ می‌گنجانند و بیش از ۹۰ درصد از افراد، در شبکه‌های اجتماعی دستکم یک دروغ گفته‌اند.

دروغ‌ها ابعاد بسیار متنوعی دارند مثلاً در این تحقیق وقتی از یک گروه پرسیدند که آیا شما فیلم پدر خوانده را دیده‌اید، ۳۰ درصد از کسانی که فیلم را ندیده بودند گفتند دیده‌ایم. دروغ‌هایی مانند ادعای خواندن یک کتاب کلاسیک، آوردن دلیل دروغ برای توجیه تأخیر بسیار فراوان هستند. همه ما دروغ می‌گوییم و اگر این ادعا را رد کنیم، به احتمال زیاد از دروغگویی ما ناشی می‌شود! این یک واقعیتی علمی ناخوشایند است که اثبات شده!



شادتر شود و به شخصیت شما کاریزما (جذابیت شخصیتی) ببخشد و در کسانی که با شما یا برای شما کار می‌کنند، اعتماد و علاقه به وجود می‌آورد.

۸- فعالیت بدنی انجام دهید

یکی از سریع‌ترین راه‌ها برای تغییر نگرش منفی، تغییر در وضعیت جسمی است. اگر استرس دارید، فعالیت بدنی مناسب برای شما آرامش ایجاد می‌کند. این کار کمک می‌کند تا فکرای منفی را از سر خود بیرون کنید و انرژی خود را برای افکار مثبت جمع کنید. هر نوع فعالیت بدنی شما را به سمت یک وضعیت متعادل ذهنی سوق می‌دهد که به شما اجازه می‌دهد تا مثبت‌اندیشی خود را افزایش دهید. فعالیت به صورت طبیعی باعث آزاد شدن هورمون اندروفین و کاهش استرس می‌شود که برای تعادل ذهنی و تداوم انگیزه بسیار ایده‌آل است. اگر نمی‌توانید در یک روز پر از استرس به باشگاه بروید، حداقل یک پیاده‌روی مناسب انجام دهید.

۹- بر خودتان مسلط شوید

برای موفق شدن باید بر افکار و احساسات‌تان تسلط داشته باشید. اگر به طور ذاتی بدبین هستید، تصمیم بگیرید شیوه نگرش خود را به تدریج تغییر دهید. مثبت‌اندیشی را در اخلاق و تعامل‌تان با دیگران در پیش بگیرید. زمانی که بتوانید بر دنیای درونی خود تسلط پیدا کنید، بر دنیای بیرونی خود نیز می‌توانید مسلط شوید. در دنیای کسب‌وکار معمولاً موفقیت یک شخص به دلیل مصمم بودن و انعطاف‌پذیری او است. اگر باور داشته باشید که می‌توانید موفق شوید، احتمال موفقیت شما بسیار بالا می‌رود. نگرش شما درباره موفقیت، در واقع پیشگویی شما برای موفقیت است، پس برنده بودن را پیشگویی کنید.

چند واقعیت علمی ناخوشایند

در ۴۰ سال اخیر بیش از نیمی از گونه‌های حیات وحش از بین رفته‌اند

از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، بیش از ۵۰ درصد از گونه‌های جانوری کره زمین، چه در خشکی و چه در دریا، منقرض شده‌اند. شرایط «انقراض انبوه» وقتی اتفاق می‌افتد که این رقم به ۷۵ درصد برسد. اتفاقی که بر اساس برآوردها، در ۲۰۰ سال آینده خواهد افتاد. البته با شتابی که بشریت برای از بین بردن محیط زیست پیدا کرده، شاید این اتفاق خیلی زودتر بیفتد. ۶۵ میلیون سال قبل وقتی دو سنگ آسمانی بزرگ با زمین برخورد کردند، فقط دایناسورها نبودند که منقرض شدند، بلکه انقراض انبوه در زمین اتفاق افتاد و بیش از ۸۰ درصد از گونه‌های جانوری منقرض شدند. از بین رفتن تمامی دایناسورها بیش از ۳۳/۰۰۰ هزار سال طول کشید. درحال حاضر سرعت از بین رفتن حیات وحش ۱۶۵ بار بیشتر شده. بر اساس برآوردها فقط در سال آینده، بیش از ۲۰۰ گونه جانوری از بین خواهند رفت.

مغز انسان از ۲۷ سالگی شروع به تحلیل رفتن می‌کند

معمولاً وقتی صحبت از افراد بالای ۸۰ سال به میان می‌آید، جوان‌ها می‌گویند، آن‌ها دیگر خیلی پیر شده‌اند؟ خوب آن‌ها زیاد هم پیراه نمی‌گویند. مطالعاتی که توسط گروهی از محققان دانشگاه ویرجینیا انجام شده، نشان می‌دهد که در حدود سن ۲۷ سالگی کاهش قدرت شناخت در انسان‌ها آغاز می‌شود. بر اساس این مطالعات بالاترین قدرت ذهنی در سن ۲۲ سالگی رخ می‌دهد و از سن ۲۷ سالگی قدرت منطق انتزاعی، سرعت مغز و توانایی حل مسئله، رو به کم شدن می‌گذارد. حافظه نیز از سن ۳۷ سالگی در مسیر زوال قرار می‌گیرد. از این رو بهتر است قبل از رسیدن به سن ۴۰ سالگی فکرای سخت و سنگین خود را انجام داده باشید. نکته امیدوار کننده این است که دانش عمومی و زبانی تا دهه ۶۰ زندگی در حال پیشرفت است، اما به دلیل کاهش قدرت ذهن و حافظه، نمی‌توانیم آن‌چه را که آموخته‌ایم به سرعت به یاد بیاوریم.

شما نمی‌توانید ذهنیت کسی را تغییر دهید

اگر کسی بخواهد نظر کسی را بر اساس منطق و استدلال خودش تغییر دهد، به ویژه در مورد موضوعاتی که آن فرد به شدت شیفته آنها است، مانند این است که از آن فرد بخواهد دندانپزشک را عوض کند. متأسفانه مشخص شده که انسان‌ها به سختی راضی می‌شوند از افکارشان که اسلحه آنها محسوب می‌شود، دست بردارند، حتی زمانی که با مدارک مستدل و منطقی به آن‌ها نشان داده می‌شود که در اشتباه هستند. در واقع هر چه بیشتر به چالش کشیده شوند کله شق تر می‌شوند و از پذیرفتن منطق بیشتر فرار خواهند کرد.

در یک آزمایش میدانی از رأی دهندگان آمریکایی که مخالف سیاست‌های اقتصادی اوباما بودند، خواسته شد که به یک نمودار در مورد عملکرد اقتصادی او نگاه کنند.

موفقیت در گرو مثبت اندیشی

نگرش شما نسبت به اطرافیان، عملکردی مشابه یک طراح داخلی دارد که ساختمانی را طراحی و سازماندهی می‌کند. شما هم باید به طراحی و سازماندهی ذهن‌تان بپردازد و آن را مرتب کنید. اهمیت نگرش در چیست؟ نگرش شما شامل درک شما از موفقیت‌ها یا شکست‌ها است و تأثیر بزرگی بر ادامه مسیرتان در زندگی و کار دارد. مهم‌ترین مسئله‌ای که باید بدانید این است که انتخاب نوع نگرش شما، به دست خودتان است. در این مقاله راه‌هایی را خواهید دید که با استفاده از آنها، می‌توانید نگرش خود را تغییر بدهید و با مثبت‌اندیشی به موفقیت برسید.

۱- مری درونی خود را پیدا کنید

افکاری که شما درباره خودتان، توانایی‌هایتان، دستاوردها و شکست‌های مالی‌تان دارید و همچنین تصویری که در ذهن‌تان نسبت به توانایی‌تان برای رسیدن به موفقیت دارید، در نهایت در زندگی‌تان اعمال خواهد شد، چون اعمال ما از افکار ما سرچشمه می‌گیرد. برای موفق بودن، نگرشتان را با فکر و درایت انتخاب کنید. اگر نگرش شما غیرمولد است و احساس می‌کنید نیاز به تغییر الگوی منفی تفکرات خود دارید، می‌توانید برای خودتان یک مریی داخلی تصور کنید که افکار ترس‌آور و ناامیدکننده شما را با افکاری که از ایمان و قدرت درونی‌تان سرچشمه می‌گیرد، عوض کند. برای این کار باید تمرکز خود را بر روی توانایی‌هایتان بگذارید تا بتوانید به اهداف‌تان دست پیدا کنید و برای یک وضعیت ذهنی مثبت آماده شوید. این کار باعث می‌شود که از حرکت باز نایستید و به تلاش ادامه دهید. نگرش مساوی با حرکت است. این معادله بیان می‌کند که نگرش شما آن چیزی است که حرکت رو به جلو یا رو به عقب شما را تعیین می‌کند. بنابراین باتوجه به اینکه در زندگی‌تان چگونه حرکت می‌کنید، می‌توانید نگرش‌تان را ارزیابی کنید.

۲- انگیزه‌های خود را پیدا کنید

در جست‌وجوی چیزهایی باشید که به شما انگیزه تلاش و کوشش بدهد. فکر کنید که در گذشته چه چیزهایی به شما انگیزه داده است. اگر می‌خواهید انگیزه و اشتیاق خود را تقویت کنید، باید علت انجام کارهایتان را بدانید. آیا انگیزه کارهایتان دستیابی به سود مالی بوده است؟ یا می‌خواستید از خودتان محافظت کنید؟ آیا می‌خواستید کاری را انجام بدهید تا بتوانید وضیت فعلی خود را حفظ کنید؟ یا ترس و خشم، دلیل انجام برخی کارهایتان بوده است؟ اگر انگیزه‌های روشنی داشته باشید می‌توانید سریعاً نگرش خود را به سمت مثبت‌اندیشی تغییر دهید. نگرش شما از قدرت درونی‌تان سرچشمه می‌گیرد و باعث می‌شود در مسیرتان سریع‌تر حرکت کنید، بیشتر بختید و اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنید. تمام اینها در نهایت موجب خواهد شد که موفقیت‌های بیشتری به دست آورید.

۳- برای خود الگوهای ذهنی انتخاب کنید

الگوهایی را انتخاب کنید که به تجسم اهداف‌تان کمک و مهارت‌های شما را افزایش دهد. برای حفظ نگرش مثبت و مشتاقانه، الگوهایی برای موفقیت خلق کنید و مدام درباره‌ی آنها فکر کنید. هرچقدر عمیق‌تر به تحقق یک هدف باور داشته باشید، احتمال بیشتری برای محقق شدن آن وجود دارد. این نوع تمرین ذهنی، باعث مثبت‌اندیشی شما می‌شود و شما را به سمت دستیابی به موفقیت سوق می‌دهد.

۴- اضطراب خود را مدیریت کنید

زمانی که در کار خود با چالش مواجه می‌شوید، شاید احساس کنید که کنترل احساسات و افکار خود را از دست داده‌اید. اضطراب در واقع ترس از آینده است. برای اینکه خوش‌بین باقی بمانید، ذهن خود را نظم ببخشید و از افکار بدبینانه خالی کنید و بر آنچه که در حال حاضر در کنترل شما است، تمرکز نمایید. هر فکر مانند دانه‌ای است که شما با نوع نگرش و در نتیجه نوع رفتار‌تان، آن را می‌کارید. برای اینکه نگرش خوبی داشته باشید، یاد بگیرید که ذهن‌تان را بر روی راه‌حل‌ها متمرکز کنید نه بر مشکلات.

۵- احساس مثبت در دیگران ایجاد کنید

برای رسیدن به اوج پتانسیل خود، باید مصمم و زیرک باشید، علاوه بر آن باید خوشحال هم باشید و از کارتان لذت ببرید. هرچقدر بیشتر به دیگران انرژی بدهید، به موفقیت‌های بیشتری دست می‌یابید. انرژی شخصی شما، هم می‌تواند افراد را به شما جذب کند و هم می‌تواند آنان را دفع کند. وقتی با هیجان و قدرت ظاهر می‌شوید، این احساس به افراد پیرامون شما هم انتقال پیدا می‌کند. اگر نگرش شما انسان دوستانه و فراگیر و هدفش رساندن زندگی به حد کمال باشد، پتانسیل نامحدودی پیدا می‌کنید. در واقع نگرش مثبت شما به دیگران انگیزه می‌دهد تا از تلاش شما برای رسیدن به موفقیت حمایت کنند.

۶- اشتیاق خود را نشان بدهید

مشتاق موفقیت باشید. در این صورت یک شوق طبیعی در رفتار شما نمایان خواهد شد و همه متوجه می‌شوند که شما برای دست به کار شدن و تبدیل اشتیاق‌تان به عمل دیگر شکیبایی ندارید. این شوق نماینده تمام احساسات شماسست و به عنوان موتور محرکه شما برای رسیدن به اهداف‌تان عمل می‌کند. تعهد کامل، شک و تردید را از بین می‌برد.

۷- کمی بی‌خیال باشید

هنگامی که در تلاش برای دستیابی به موفقیت هستید، به دنبال جنبه‌های مفرح و لذت‌بخش زندگی نیز باشید. این باعث می‌شود که استرس‌تان کاهش پیدا کند. هرچقدر کمتر استرس داشته باشید، انرژی مثبت بیشتری خواهید داشت که باعث تلاش سخت‌تر شما خواهد شد. بی‌خیال بودن مهارت بزرگی است که باعث می‌شود محیط کاری اطراف‌تان

تحلیل اخبار آب

تلاش برای نجات لک‌لک گردن سیاه

لک لک گردن سیاه از انواع پرندگان کمیاب است که در مرحله " نزدیک به خطر انقراض" قرار دارد. زیستگاه این پرنده در تالاب های هند، اندونزی و سریلانکا قرار دارد. در حال حاضر فقط ۵۰ تا ۶۰ تا از این پرنده ها در مناطق اطراف دهلی زندگی می‌کنند. این پرندگان در نزدیکی تالاب ها زندگی می‌کنند و غذایشان انواع ماهی و حلزون است. پنج روز پیش گروهی که برای تماشای پرندگان به تالابی در خارج شهر دهلی رفته بودند، برای نخستین بار متوجه لک لکی شدند که نوکش با حلقه پلاستیکی بسته شده بود. طرفداران حیات وحش و مسئولان اداره جنگلبانی هند در تلاش برای نجات جان این لک لک گردن سیاه هستند. تصور می‌شود این لک لک با وجود حلقه دور نوکش می‌تواند آب بخورد اما نمی‌تواند منقارش را برای غذا خوردن باز کند. مسئولان حیات وحش در هند امیدوارند که بتوانند این حیوان را قبل از مرگ پیدا کرده و نجات دهند. پانکاج گوپتا، عضو انجمن پرنده شناسی که در عملیات نجات این پرنده شرکت دارد گفت: "احتمالا لک لک ضعیف تر از آن شده که بتواند به جای دوری پرواز کند اما اگر خیلی ضعیف شود می‌میرد". او حدس می‌زند حلقه ای که دور نوک لک لک گیر کرده، حلقه در یک بطری باشد و هنگامی که لک لک برای شکار ماهی نوکش را وارد آب کرده حلقه دور منقارش گیر کرده است. آقای گوپتا، گفت: منطقه عملیات جستجو بسیار وسیع است و در حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر مربع است. روز جهانی محیط زیست امسال بر موضوع پلاستیک و مبارزه با مصرف آن با شعار "غلبه بر آلودگی پلاستیکی" متمرکز شده بود. میزبان امسال روز جهانی محیط زیست کشور هند بود. در بخشی از شعارهای برنامه امسال محیط زیست سازمان ملل آمده است "اگر بازیافت نمی‌شود، استفاده نکنید."

بی‌بی‌سی

ماهنامه KWC وقتی انسانها با نابود کردن محیط زیست، به خودشان رحم نمی‌کنند، لابد توقع زیادی است اگر بخواهیم، به لک لک گردن سیاه و سایر موجودات زنده رحم کنند.



کاهش ۲۰ درصدی مصرف راهکار عبور از تنش آبی اصفهان است

محمد حاج‌رسولی‌ها مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران گفت: ذخیره سد زاینده‌رود به مرحله بحرانی رسیده و چاره‌ای جز صرفه‌جویی آب نداریم. وی افزود: طرح مدیریت کاهش ۲۰ درصدی آب در تمامی حوزه‌های خانگی، کشاورزی و صنعتی تنها راهکار عبور از تنش آبی در استان اصفهان است. وی افزود: براساس ارزیابی صورت گرفته، آورد امسال سد زاینده رود به ۵۰۰ میلیون مترمکعب هم نخواهد رسید بالتبع جدای از محدودیت‌های بخش کشاورزی، ناچار هستیم محدودیت‌هایی برای بخش شرب نیز اعمال کنیم. وی اضافه کرد: بر اثر بارش‌های نسبتاً مناسب اردیبهشت‌ماه شرایط اندکی بهبود یافته است و با این روند امیدواریم بتوانیم کاهش تحویل ۲۰ درصدی آب شرب به اصفهان را قدری کمتر کرده و شرایط کمبود را تعدیل کنیم.

تسنیم

ماهنامه KWC بیم و امید می‌تواند ابزار کار اخلاقیون باشد، چون در مسائل اخلاقی قطعیتی وجود ندارد. ولی افراد فنی و تکنیکی و علمی نمی‌توانند از این ابزار استفاده کنند، چون علم با شواهد و ادله سروکار دارد. مشکل کم بود آب اصفهان از سال‌ها قبل پیش بینی شده بود و بوسیله متخصصان آب در زمان خود گوشزد گردید. قابل پیش بینی است که شرایط آب کشور روز به روز سخت تر خواهد شد، حتی اگر برای مدت کوتاهی کمی آسمان رحم کند. یک مدیر بهتر است بحث‌های استراتژیکی مانند کاهش حداقل ۲۰ درصد از مصرف آب را با یک بحث مقطعی، مانند بارش بیشتر باران، مخلوط نکند.

کم‌کم داریم جنگ آب را می‌بینیم

عبدالحمید خدیری، نماینده مردم بوشهر، در مجلس گفت: چطور باید بگوییم که مردم آب ندارند؟ استان بوشهر وارد ماه‌های کم‌آبی و بحران آب شده و مناطقی مانند دشتستان به معنای واقعی کلمه آب ندارند. او ادامه داد: ما قبلاً درباره جنگ آب چیزهایی شنیده بودیم، اما حالا کم‌کم داریم آن را با چشم خودمان می‌بینیم. مردم هر منطقه برای مقدار کمی آب به مردم منطقه‌ای دیگر توهین می‌کنند و کینه به دل می‌گیرند چون آب چیزی نیست که مردم بتوانند از آن بگذرند. هر کس به فکر شهر، روستا و خانواده خودش است. وی اضافه کرد: ما قبلاً هم به مسئولان هشدار داده بودیم که وضعیت آب در مناطق مختلف بوشهر رو به وخامت می‌رود و باید هر چه سریع‌تر در مورد استفاده از آب شیرین کن‌ها اقدام کنند اما این اتفاق نیفتاد. آب‌شیرین‌کن‌ها تازه در دست احداث هستند و در بهترین حالت برای سال آینده آماده می‌شوند.

ایسنا

کارشناسان سال‌ها است که خطر جنگ آب را گوشزد می‌کنند، ولی احتمالاً مسئولان و نمایندگان مجلس تاکنون این حرف‌ها را سیاه نمائی تلقی می‌کردند. حالا هم به آهستگی بعضی‌ها دارند باور می‌کنند که جنگ آب جدی است.



هشت سال قبل!

وقت ناسا که از طرفداران طرح بود، در پروژه دخالت کرد و دستور گرفتن این عکس را صادر کرد. در ۱۳ اکتبر سال ۱۹۹۴ کارل سیگن در خلال سخنرانی خود در دانشگاه کرنل، این عکس را به حاضرین نشان داد و در یک سخنرانی کوتاه ولی پر هیجان، چنین گفت: به این نقطه آبی رنگ پریده دوباره نگاه کنید. همین جاست. خانه اینجاست. ما اینجایم. تمام کسانی که دوستانشان دارید، تمام کسانی که می‌شناسید، تمام کسانی که تا بحال چیزی در موردشان شنیده‌اید، تمام کسانی که وجود داشته‌اند و زندگی‌شان را در اینجا سپری کرده‌اند. برآیند تمام خوشی‌ها و رخ‌های بشریت در همین نقطه جمع شده است. هزاران آئین، ایدئولوژی و دکتترین اقتصادی که آفرینندگانشان از صحت آنها کاملاً مطمئن بوده‌اند، تمامی صیادان و صیدها، تمامی قهرمانان و بزدلان، تمامی سازندگان و ویران‌کنندگان تمدن‌ها، تمامی پادشاهان و رعایا، تمامی زوج‌های جوان عاشق، تمامی پدران و مادران، کودکان امیدوار، مخترعان و مکتشفان، تمامی معلمان اخلاق، تمامی سیاستمداران فاسد و درستکار، تمامی مشاهیر، تمامی رهبران کبیر و حقیر، تمامی قدیسان و گناهکاران تاریخ در این جا زیسته‌اند، این‌ها همه زمانی قسمت کوچکی از این نقطه بوده‌اند. در این ذره غبار مانند که در فضای بیکران در مقابل اشعه خورشید شناور است. زمین ذره‌ای خرد در مقابل عظمت جهان است. به رودهای خون که توسط امپراطوران و ژنرال‌ها، با شکوه و فاتحانه، بر زمین جاری شده بیانیدشید. به بی‌رحمی‌های بی‌پایانی که ساکنان گوشه‌ای از این نقطه، در حق ساکنان گوشه‌ای دیگر روا داشته‌اند بیانیدشید، به راستی تا چه حد اینان به کشتن یکدیگر مشتاقند، چقدر با حرارت از یکدیگر متنفرند. تمامی شکوه و جلال‌ها، تمامی حس خود مهم بینی بی‌پایان‌ها و توهم اینکه ما دارای موقعیتی ممتاز در پهنه گیتی هستیم، با این عکس به چالش کشیده می‌شود. سیاره ما لکه‌ای گم شده در تاریکی لایتناهی کهکشانهاست. در این تیرگی و عظمت بی‌پایان، هیچ نشانه‌ای از اینکه کمکی از جایی برسد تا ما را از شر خودمان در امان نگاه دارد، دیده نمی‌شود. زمین تنها جای شناخته شده است که برای ما قابلیت زیست دارد. حداقل تا آینده‌ای دور. هیچ جایی نیست که گونه بشر بتواند به آنجا مهاجرت کند. خوشمان بیاید یا نه، زمین تنها جایی است که می‌توانیم بر روی آن بایستیم. می‌گویند فضانوردی تجربه‌ای است شخصیت‌ساز، که فرد را فروتن می‌سازد. شاید هیچ تصویری بهتر از این عکس، نتواند غرور ابلهانه و نابخردانه نوع بشر را در دنیای کوچکش به نمایش بگذارد. برای من این تصویر تأکیدی است بر مسئولیت ما در جهان برای برخورد مهربانانه‌تر با یکدیگر و سعی در گرمی داشتن و حفظ این نقطه آبی رنگ پریده که تنها خانه‌ای است تاکنون شناخته‌ایم.



اخبار KWC

حضور KWC در نمایشگاه صنعت ساختمان

هجدهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی صنعت ساختمان، از تاریخ ۱۵ الی ۱۸ مرداد ماه سال ۹۷ در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار خواهد شد. شرکت KWC نیز مانند سالیان گذشته در این نمایشگاه حضور خواهد داشت و جدیدترین محصولات خود را در آن به نمایش خواهد گذاشت. امسال نیز مثل سالیان گذشته یک مهمانی شام به افتخار نمایندگان سراسری این شرکت برگزار خواهد شد. گزارش کامل هجدهمین نمایشگاه صنعت ساختمان را در شماره آینده می‌توانید مطالعه کنید.



سردبیر: شهریار بدیعی

گرافیک: احمد غلامی

عکس: ابوالقاسم انترآکی

لیتوگرافی و چاپ: آرنا

تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰

moshariran@yahoo.com

پيامک: ۰۹۱۰۹۷۷۸۰۳۷

استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلامانع است

شمارگان کاغذی: ۴۰۰۰ نسخه شمارگان الکترونیک: ۴۵۰۰ ایمیل و فیسبوک

نقطه آبی پریده رنگ

در سال ۱۹۷۷ ناسا، فضاییمای وویجر ۱ (Voyager 1) را به منظور اولین خروج از منظومه شمسی و ورود به فضای میان ستاره‌ای به فضا پرتاب کرد. وویجر ۱ تاکنون دورترین جسم ساخته دست بشر است که از کره زمین فاصله گرفته است. این فضاپیما با سرعت ۶۴۰۰۰ کیلومتر در ساعت در فضا حرکت می‌کند و در سال ۱۹۹۱ بالاخره موفق شد کاملاً از منظومه شمسی خارج و در فضای میان ستاره‌ای قرار بگیرد. وویجر ۱ در ۴ سال گذشته ۱۹ میلیارد کیلومتر از زمین فاصله گرفته و آنقدر از ما دور شده که دریافت سیگنال آن حدود ۱۷ دقیقه طول می‌کشد. این سفینه در چهل هزار سال آینده به هیچ ستاره‌ای نزدیک نخواهد شد و در آن موقع به حوالی ستاره پروکسیما قنطورس خواهد رسید که نزدیک ترین ستاره به منظومه شمسی است و ۴/۲ سال نوری با ما فاصله دارد.



ناسا در پروژه هایش علاوه بر استفاده از دانشمندان متعددی در علوم فیزیک و شیمی و ستاره شناسی و ده‌ها رشته دیگر، از هنرمندان و جامعه شناسان و روانشناسان نیز استفاده می‌کند، تا پروژه در یک دنیای فنی غرق نشود. در پروژه وویجر ۱ از کارل سیگن Carl Sagan نویسنده و مجری برنامه‌های علمی تلویزیون به عنوان یکی از اعضاء اصلی دعوت شد. وقتی وویجر ۱ می‌خواست منظومه شمسی را ترک کند، کارل سیگن پیشنهاد داد سفینه ۱۸۰ درجه بچرخد و یک عکس دسته جمعی و خانوادگی از تمام اعضاء منظومه شمسی بگیرد. این پیشنهاد مخالفان و موافقانی داشت، مخالفان می‌گفتند این کار هیچ دستاورد علمی نخواهد داشت و حتی ممکن است به سفینه آسیب برساند، ولی کارل سیگن معتقد بود در چنین عکسی هرچند زمین بسیار کوچک دیده خواهد شد، اما می‌تواند تصویری معنا دار برای بشریت باشد، زیرا چشم‌اندازی از زیستگاه ما در جهان و کوچکی و ناچیزی آن نسبت به بخشی از کائنات را نشان خواهد داد. سرانجام ریچارد اچ ترولی رئیس

تفاوت در چیست؟



تفاوت کشور های غنی و فقیر در قدمشان نیست. کشور مصر بیش از ۳۰۰۰ سال تاریخ مکتوب دارد ولی فقیر است. کشورهای جدیدی مانند کانادا، نیوزیلند و استرالیا در حدود ۱۵۰ سال است که تشکیل شده‌اند و در

گذشته وضعیت قابل توجهی نداشتند، در حال که اکنون کشورهایی توسعه یافته و ثروتمند هستند. تفاوت کشورهای فقیر و ثروتمند در میزان منابع طبیعی قابل استحصال آنها نیست. ژاپن کشوری است که سرزمین بسیار محدودی دارد و ۸۰ درصد آن کوهستانی است. این کشور منابع طبیعی و معدن خاصی ندارد، مناسب کشاورزی و دامداری هم نیست، اما دومین اقتصاد قدرتمند جهان است. ژاپن جزیره‌ای است که مواد خام را از همه جهان وارد می‌کند و به شکل محصولات پیشرفته در می‌آورد، آنگاه دوباره آنها را صادر می‌کند و مقدار زیادی ارزش افزوده کسب می‌کند. سوئیس کشوری است که درخت کاکائو که ماده اولیه ساخت شکلات است در آن به عمل نمی‌آید، اما بهترین شکلات‌های جهان را تولید و صادر می‌کند و درآمد سرشاری از این راه بدست می‌آورد. سطح هوش و استعداد مردم کشور های ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بالاتر نیست. افرادی که از کشورهای فقیر برای ادامه تحصیل به کشورهای پیشرفته می‌روند نشان داده‌اند که سطح هوش و فهم آنها از دیگران کمتر نیست. نژاد و رنگ پوست نیز مهم نیست، زیرا مهاجرانی که در کشور خود برچسب تنبلی و بی‌کارگی خورده‌اند، در کشورهای پیشرفته و غنی، به نیروهای مولد تبدیل می‌شوند.

پس تفاوت در چیست؟ تفاوت در رفتارهایی است که در طول سال‌ها به فرهنگ و دانش تبدیل شده است. وقتی رفتارهای مردم کشورهای پیشرفته و ثروتمند را تحلیل می‌کنیم، متوجه می‌شویم، اکثریت آنها از اصول زیر در زندگی خود پیروی می‌کنند: ۱- اخلاق به عنوان اصل پایه ۲- وحدت ملی ۳- مسئولیت پذیری ۴- احترام به قانون و مقررات ۵- احترام به حقوق سایر شهروندان ۶- احترام به کار ۷- تحمل سختی‌ها به منظور سرمایه‌گذاری برای آینده ۸- میل به ارائه کارهای برتر و فوق العاده ۹- نظم پذیری

اما در کشورهای فقیر، فقط اقلیتی از مردم از این اصول پیروی می‌کنند. آنها فقیر هستند نه به این خاطر که منابع طبیعی ندارند یا اینکه طبیعت نسبت به آنها بیرحم بوده. فقیر هستند چون رفتار مناسبی را در پیش نمی‌گیرند. مردم کشورهای فقیر برای آموختن و رعایت اصول، فاقد اهتمام لازم هستند. تفاوت بین کشورهای فقیر و غنی فقط در نوع نگرش مردمانشان است.